

این آمار زن‌ها را خطرناک می‌داند

گزارش نشست «آسیب‌شناسی زبان»
با حضور دکتر مریم دانشگر



هم‌نیشی

اشاره •

زبان و خط فارسی جزو دغدغه‌های بنیادین مجلات رشد است و در حوزه زبان و خط فارسی، نقش «فرهنگستان زبان و ادب فارسی»، نقش بی‌بدیلی است. از این رو، «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» که همواره در صدد استفاده از قابلیت‌های علمی مراکز پژوهشی در کشور بوده است، ترتیبی داد که در نشست با عنوان «آسیب‌شناسی زبان» که با حضور خانم دکتر مریم دانشگر، عضو هیئت علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی برگزار شد به این موضوع پرداخته شود. آنچه در پی می‌آید سخنان وی و نظرات برخی از حاضران در نشست است.

زبان عامل هویت ملی و ارتباطی

دکتر مریم دانشگر: امیدوارم که در این جلسه بتوانم از نظرات شما استفاده کنم و تبادل نظری داشته باشیم برای آنکه ارتباط بین فرهنگستان زبان و ادب فارسی و مجلات چندگانه رشد را تقویت کنیم. به علاوه، در جهت هدف مشترکمان که ارتقای وضعیت زبان فارسی به عنوان یک عامل هویتی ملی و ارتباطی در تمام حوزه‌ها و رشته‌هاست، با هم همراهی داشته باشیم. من با مجلات رشد از گذشته آشنا بوده‌ام و بعضی از آن‌ها را بیشتر مطالعه کرده‌ام. ضمن اینکه حوزه کار ما در فرهنگستان

بحث زبان و ادبیات فارسی است و ما به طور خاص، به آموزش زبان و ادبیات فارسی در کشور توجه داریم. طبیعتاً به انتشاراتی که این دو حوزه را در بر می‌گیرند هم توجه کرده‌ایم. در آموزش و پرورش بحث کتاب‌های درسی برای ما مطرح بوده است و تاکنون تحقیقات مختلفی روی این کتاب‌ها انجام شده‌اند. به عنوان نمونه، یکی از کارهایی که در سال ۱۳۹۲ انجام دادیم و سال ۱۳۹۳ گزارش آن را برای ریاست فرهنگستان و آموزش و پرورش آماده و ارسال کردیم و عنوان «غیر معیارهای زبانی در کتاب‌های درسی» بود، در اینجا معرفی می‌کنم. در این گزارش، حدود ۵۰ نمونه از کتاب‌های درسی انتخاب شد



و از هر کدام به طور اتفاقی چند صفحه به صورت نمونه‌گیری اتفاقی استخراج شد. سپس اشکالاتی که در این کتاب‌ها بود دسته‌بندی و به صورت گزارش مدون برای سازمان فرستاده شد. البته این گزارش را در یکی از خبرنامه‌های فرهنگستان هم به چاپ رساندیم. در این گزارش به صورت علمی مشخص است که چه اشکالاتی در این کتاب‌ها وجود دارد. در حالی که معلمان در مدارس آموزش می‌دهند که مثلاً واژه «برخلاف» را دانش‌آموزان ننویسند، در کتاب‌های درسی

نمونه‌های زیادی وجود دارند که از این واژه به این صورت غلط استفاده شده است. بحث ما این است که آموزش درس‌ها به صورت تجویزی امر کهنه‌ای است و کسی نمی‌پذیرد و دیگر احتیاج به توضیح نیست که در نهادی مثل آموزش و پرورش هیچ تعلیم و تربیتی را نمی‌توان از طریق دستور وارد ذهن دانش‌آموز کرد. آنچه اهمیت دارد این است که ما به صورت عملی آموزش دهیم. آموزش عملی در رفتار معلم، رفتار اولیای مدرسه با دانش‌آموزان و کتاب‌های درسی وجود دارد. نمونه این غلط‌ها را می‌توانید در کتاب درسی ملاحظه کنید. این مسائل ظریف‌اند، اما باید رعایت شوند. در کتاب درسی که سند ملی ما محسوب می‌شود، این مسائل ظریف مهم هستند.

من چنین اشکالاتی را در مجلات رشد پیدا نکردم. در این مجلات بسیاری از نکات کوچک که به چشم متخصصان می‌آید، رعایت شده‌اند. فکر می‌کنم یک عامل مهم این امر وجود

دانشگر: مشکل دیگر ما رواج حرف‌نگاری
فینگلیش بین بچه‌هاست. البته این مشکل را
ظاهراً شبکه‌های مجازی حل کرده‌اند و بچه‌ها
بیشتر با فارسی سروکار دارند.

یک گروه تخصصی است که به طور متمرکز روی نحوه نگارش مطالب مجلات کار می‌کنند. در معرض دید بودن هم شاید عامل دیگر این موضوع شده است. در هر صورت، در مجلات اشکالات غلط‌نویسی خیلی کم وجود دارد. مطالبی علمی و به‌روز در مجلات تخصصی آمده است، از ترجمه‌های نسبتاً خوبی استفاده شده است که مفهوم متن را در مطالعه ابتدایی منتقل می‌کنند. الان وقتی مجلات را ورق می‌زنم، بسیار مطالب مفید و مناسبی دارند.

من فکر می‌کنم که مناسب باشد به موضوع اصلی صحبت‌مان برسیم. امروز می‌خواهم در مورد چهار مطالعه‌ای که ما انجام داده‌ایم، صحبت کنم. یکی از مطالعاتی که در فرهنگستان زبان فارسی انجام شده، «ارزشیابی مهارت‌های ادبی و زبانی دانش‌آموزان نظام آموزش متوسطه کشور» بوده است که در سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴ در فرهنگستان انجام دادیم. عنوان دومین مطالعه «نمرات درس زبان و ادبیات فارسی در کنکور سراسری، دانش‌آموزان تمام رشته‌ها و تمام گروه‌های آموزشی» است. سومین مطالعه هم به امتحانات نهایی کشوری که در آموزش و پرورش انجام می‌شود، پرداخته است. این امتحانات در سطح کشور ایران مهم‌ترین آزمون‌ها به شمار می‌آیند و نتایجشان آن قدر اهمیت دارد که در موردشان صحبت شود. چهارمین مطالعه، آزمون «پرلز» است. من در مورد این چهار مطالعه صحبت می‌کنم و از شما هم می‌خواهم پیشنهادهای خود را در مورد معضلی که گرفتارش هستیم، ارائه کنید.

سؤال اصلی طرح ارزشیابی مهارت‌های ادبی و زبانی دانش‌آموزان نظام آموزش متوسطه کشور این بوده است که: «آیا اهداف برنامه‌ریزان آموزش رسمی در مهارت‌های چهارگانه خواندن، نوشتن، شنیدن و سخن گفتن از نظر توانایی‌های زبانی

و ادبی تحقق یافته‌اند یا نه؟» یکی از معضلاتی که مخصوصاً در دانشگاه‌ها وجود دارد، این است که دانش‌آموزانی که وارد دانشگاه‌ها شده‌اند کم سواد هستند و توانایی حرف زدن و اظهار نظر کردن، نوشتن و بحث و گفت‌وگو را ندارند. دانشگاهیان معتقدند همه این‌ها به آموزش و پرورش برمی‌گردد که دوازده سال آموزش خود را ناقص انجام داده است.

مطالعه‌ای که ما انجام دادیم، روی دانش‌آموختگان شهر تهران بود و به دلیل مشکلاتی که وجود داشت، به صورت ملی انجام نشد. حدود ۴۹۵۴۰ دانش‌آموز دسته‌بندی شدند. از هر کدام از گروه‌ها یک منطقه را به صورت تصادفی انتخاب کردیم و شیوه انتخاب هم مبتنی بر نمرات نهایی درس ادبیات فارسی بچه‌ها در سال گذشته بود. برای رسیدن به ارزشیابی لازم بود که وضعیت مطلوب و وضعیت واقعی دانش‌آموزان مقایسه شود. یعنی اول بفهمیم دانش‌آموزان در چه سطحی هستند و سپس آن را با وضعیت مطلوب که از نظر برنامه‌ریزان آموزش و پرورش تعریف شده بود، مقایسه کنیم و محک بزنیم.

برای تعیین این ملاک‌ها و معیارها از برنامه درسی آموزش و پرورش و همین‌طور از مقدمه کتاب‌های زبان و ادبیات فارسی کتاب‌های متوسطه استفاده کردیم. دو جدول کامل از معیارها در آمد که از نظر برنامه‌ریزان درسی، هر دانش‌آموخته در پایان سال چهارم دبیرستان و هنگام فارغ‌التحصیلی، باید آن توانایی‌های خاص را در مهارت‌های نوشتن، خواندن، صحبت کردن و شنیدن داشته باشند. کار دیگری هم انجام دادیم. از معلمان متخصص در همان سال‌ها نظرسنجی کردیم که از نظر آن‌ها دانش‌آموزان در چه وضعیتی هستند.

اگر این جدول مهارت‌ها در سطح برنامه درسی را ملاحظه کنید، می‌بینید که مثلاً برنامه درسی معتقد است، دانش‌آموز

در پایان دوره متوسطه باید بتواند نثرهای معاصر را به خوبی بخواند، متون ادبی را سریع و صحیح بخواند، پیام‌های آثار ادبی را درک کند، توانایی درک وزن صحیح شعر را داشته باشد و ... در پرسش‌نامه هم ۷۵ دبیر پاسخ ما را داده‌اند و مثلاً گفته‌اند به نظر آن‌ها دانش‌آموز تا چه حد می‌تواند با نوشتن، افکار خود را بیان کند یا چند درصد دانش‌آموزان می‌توانند نامه‌آداری بنویسند. معلمان معتقدند حدود ۸۰ درصد خروجی‌های آموزش و پرورش نمره زیر دوازده می‌گیرند. البته وضعیت بچه‌ها بهتر از این بود و معلمان با سخت‌گیری نگاه کرده بودند.

برای اینکه وضعیت موجود دانش‌آموزان را دریابیم، آزمون استاندارد طراحی و کاربران را در شش سطح دسته‌بندی کردیم. دانش‌آموزانی که ما می‌خواستیم سنجش کنیم، در سطح سوم کاربر حرفه‌ای بودند؛ یعنی دانش‌آموزان مسلط به زبان فارسی. کاربری که در سن ۱۸ سالگی می‌تواند وارد جامعه و دانشگاه شود و احتیاجات خود را برطرف کند. یکی از ویژگی‌های مطالعه ما، طراحی یک سامانه آزمون مهارت‌سنجی بود؛ سامانه‌ای که چهار مهارت را می‌تواند تحت وب اندازه‌گیری کند. هیچ آزمونی در کشور ایران نیست که چهار مهارت را اندازه‌گیری کند. آموزش و پرورش آزمون استاندارد دارد که خواندن و نوشتن را می‌سنجد و کنکور سراسری فقط خواندن را اندازه‌گیری می‌کند. فقط آزمون‌های بین‌المللی مثل «تافل» یا «آیلتس» چهار مهارت را اندازه‌گیری می‌کنند و در سطح ایران این اتفاق تا آن زمان نیفتاده بود.

سامانه‌ای که ما طراحی کرده‌ایم، این ویژگی را دارد که بعد از اینکه دانش‌آموز وارد آن می‌شود، تمام چهار مهارت او را ثبت و ضبط کند. ما در مرحله اول طراحی این آزمون هستیم و برای مرحله نهایی آزمون به حداقل ۱۴ هزار شرکت‌کننده نیاز داریم. تا

به امروز نهایتاً توانسته‌ایم از حدود ۴۰۰ نفر آزمون بگیریم. نتایج این آزمون موجود است. اگر قرار بود مثل طرح‌های پژوهشی دیگر آن را به صورت کاغذی اجرا کنیم، می‌توانستیم از چهار هزار نفر آزمون بگیریم. در این آزمون از لحظه‌ای که دانش‌آموز پشت دستگاه می‌نشیند تا لحظه آخر برنامه‌ریزی شده است. البته یک پیش‌آزمون داشتیم و بعد از آن مرحله اصلی اجرا شده است.

نتایجی که ما از کل این آزمون به دست آوردیم، به هیچ وجه قابل قبول و خوب نیستند. این در حالی است که آموزش و پرورش ۱۲ سال بر مهارت خواندن و نوشتن تأکید دارد. در دوره ابتدایی دانش‌آموز مهارت شنیدن را به صورت جنبی یاد می‌گیرد. کودک وقتی به دنیا می‌آید، شنیدن اولین مهارتی است که یاد می‌گیرد. بعد در خانواده صحبت کردن را می‌آموزد. بعد

دانشگر: تأثیر آموزش غیر مستقیم و غیر رسمی یکی از این موارد است که من می‌خواهم آن را به مجلات رشد ارتباط دهم

از پنج شش سال وارد مدرسه می‌شود و آموزش و پرورش به صورت تخصصی روی دو مهارت خواندن و نوشتن ۱۲ سال کار رسمی و تخصصی انجام می‌دهد. به هر حال این وضعیت در نمونه‌ای که به صورت علمی انتخاب کرده بودیم، به دست آمد. **محبت‌الله همتی**، ناظر محتوایی مجلات رشد: درصد مطلوب شما چقدر بوده است؟ مثلاً در خواندن.

دانشگر: بالاترین نمره ۱۰۰ است. سؤال‌ها به نحوی طراحی شده‌اند که دقت در آن‌ها اهمیت دارد و دانش‌آموز باید سؤال‌ها را در زمانی که مشخص شده است، پاسخ دهد. به طور طبیعی در بهترین حالت نمره ۱۰۰ است. ولی نمره میانگین کل ۵۰ بود

گوشوران بومی کار کردیم و انتظارمان باید خیلی بالاتر می‌بود. ضمن اینکه با این تعداد نمی‌توانیم مقایسه معناداری داشته باشیم. فعلاً فقط می‌توانیم نتایج مطالعاتمان را برای محققان بگوییم. انجام و مقایسه‌ها در رسیدن به راهکارها می‌تواند مسئله بعدی باشد که در سطوح بالاتر کاربرد دارند.

همتی: نکته دیگر اینکه شما فرمودید در شهر تهران این مطالعه را انجام داده‌اید. بین مناطق مختلف تفاوت وجود داشته است؟

دانشگر: ما نتایج مناطق را اعلام نمی‌کنیم، به این خاطر که از نظر علمی چیزی را ثابت نمی‌کند. این یک آزمون مهارت‌سنجی کلی است که مناطق در آن اهمیتی ندارند. ضمن اینکه آموزش و پرورش ده‌ها طرح پژوهشی روی مناطق انجام داده و می‌داند که وضعیت مناطق چگونه است.

در اینجا مقایسه رشته‌های تحصیلی را مشاهده می‌کنید. من روی نمودار می‌برم که راحت‌تر مقایسه شود. می‌بینم که دو مهارت خواندن و نوشتن در رشته علوم تجربی از همه بالاترند. در مهارت صحبت کردن دانش‌آموزان علوم انسانی و در مهارت شنیدن در سطح بالایی دانش‌آموزان رشته ریاضی توانایی بیشتری دارند. دو مهارت خواندن و نوشتن کاملاً اکتسابی است و آموزش و پرورش تلاش بسیاری برای ارتقای آن‌ها انجام داده است. البته باید گفت که متخصصان خوبی وجود دارند و تجربیات خوبی در این سال‌ها انباشته شده‌اند. این دو مهارت در گروه علوم تجربی از همه بالاترند. ما این نتایج را با نتایج کنکور هم مقایسه کردیم. در آنجا بچه‌های علوم تجربی جلوتر هستند. چه اتفاقی می‌افتد که مهارت‌های خواندن و نوشتن به جای اینکه در علوم انسانی افزایش پیدا کند، در بچه‌های علوم تجربی رشد کرده است؟ نظر شما چیست؟

که معادل نمره ۱۰ است. نمره ۱۰ نمره معیار مناسبی نیست. نمره معیار ما ۱۲ یا همان ۶۰ بوده است و تنها در آزمون صحبت کردن بچه‌ها به نمره ۶۰ رسیده‌اند. این مهم است که میانگین کل ۶۰ بوده است. یعنی به طور کلی در مهارت صحبت کردن همه می‌توانند نمره میانگین را کسب کنند. این در حالی است که پیش از این آزمون گفته می‌شد بچه‌ها از عهده این مهارت برنخواهند آمد. یکی از آسیب‌هایی که در مورد آزمون صحبت کردن داشتیم، این بود که توانایی حرف زدن جلوتر از توانایی فکر کردن بچه‌ها بود، یعنی بهتر حرف می‌زدند و بدتر فکر می‌کردند. در صورتی که در گذشته بچه‌ها خجالتی بودند و راحت حرف نمی‌زدند. اما امروز گویا این مشکل حل شده و بچه‌ها به راحتی گفت‌وگو می‌کردند. اینکه چه دلایلی ممکن است برای چنین وضعیتی وجود داشته باشد، از نظر شما استفاده خواهیم کرد. در مورد جنسیت، نمره دخترها و پسرها با هم متفاوت بود. میانگین نمره دخترها در هر چهار مهارت بالاتر از پسرهاست. به خصوص این تفاوت در دو مهارت بیشتر دیده می‌شود: مهارت نوشتن و مهارت صحبت کردن. این تفاوت معنادار است و برتری مشخص و بارز است. البته ویژگی‌های ذاتی و محیطی هم می‌تواند مؤثر باشد، اما یکی از مسائل مهم این است که ما با آزمون پرلز هم مقایسه کردیم و در تمام کشورهای جهان مهارت دخترها از مهارت پسرها بیشتر است. البته وضعیت این مهارت‌ها در هر دو جنس نامطلوب است.

همتی: شما مطالعات جهانی مشابه مطالعات خودتان را هم بررسی کرده‌اید؟

دانشگر: ما مطالعاتی که گوشوران بومی را بسنجد، ندیدیم. ما از الگوی سطح‌بندی اتحادیه اروپا استفاده کردیم، اما آن‌ها روی گوشوران غیربومی کار می‌کنند. در حالی که ما روی

سپیده چمن آرا، سردبیر رشد برهان متوسطه اول: شاید طراحی درس‌ها به نحوی است که خیلی باید بنویسند.

دانشگر: درس تاریخ هم همین‌طور است.

چمن آرا: تاریخ حفظی و چند کلمه‌ای است. اما در درس زیست‌شناسی خیلی باید توضیح دهند و مطلب را باز کنند.

افسانه موسوی گرمارودی، سردبیر رشد نوآموز: در کشور ما متأسفانه بچه‌هایی که نمی‌توانند وارد رشته‌های دیگر شوند، به رشته علوم انسانی می‌آیند.

دانشگر: شما می‌فرمایید توانایی‌های آن‌ها از همان ابتدا برتر است.

جعفر ربانی، ویراستار مجلات رشد: سؤال من این است که آیا این تفاوت معنا دارد؟

دانشگر: ما البته اینجا به صورت توصیفی این تحلیل را انجام می‌دهیم. اگر بخواهیم به صورت استنباطی توجه کنیم، مسئله معنادار بودن بیشتر کاربرد خواهد داشت. اما در یک بررسی تخصصی همین هم برای ما مسئله مهمی است. من خودم معتقد هستم، مسئله مهم بحث رقابتی است که در دانش‌آموزان رشته تجربی به صورت بسیار سخت و فشرده وجود دارد. مسئله ورودی‌ها که فرمودند خیلی مهم است. اما در عین حال، سه چهار سالی که فرصت است، می‌تواند نقص‌های دانش‌آموزان را اصلاح کند. در نتایج آزمون‌های کنکور سراسری می‌بینیم بچه‌ها به صورت میانگین کلی و در بهترین حالت، به حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد سؤال‌های رشته زبان و ادبیات فارسی عمومی پاسخ می‌دهند. یک اتفاق عجیب این است: نمره زبان فارسی دانش‌آموزان رشته تجربی که در رشته پزشکی قبول شده‌اند، ۸۵ درصد است. به نظر من مسئله رقابت باعث چنین اتفاقی می‌شود. همین تغییر را به طور ناگهانی در درس زبان

فارسی رشته ریاضی هم شاهد هستیم.

محمد رضا حشمتی، سردبیر رشد معلم: درس ادبیات ضریب خوبی در کنکور دارد و برای بچه‌ها نمره‌آور است. شاید بهتر باشد پژوهشی طولی انجام دهیم و بچه‌های گروه علوم تجربی را به عنوان یک گروه آزمایشی انتخاب کنیم و گذشته این بچه‌ها را مورد مطالعه قرار دهیم.

دانشگر: در مورد کنکور این مسئله وجود دارد و آسیب‌هایی که کنکور ایجاد کرده، به ویژه در گروه علوم انسانی، واقعاً جبران‌ناپذیر است. اما به هر حال ما پژوهش‌های خاص خودمان را داریم.

حشمتی: راستی آزمایی خیلی مهم است. خود شما به بحث رقابت اشاره می‌کنید. رقابت عاملی است که در روش‌های تربیتی توصیه نمی‌شود.

دانشگر: این نشان می‌دهد چقدر برنامه‌ریزی‌های ما می‌تواند روی مسائل دیگر تأثیر گذار باشد.

حشمتی: ما الان با این داده‌ها فریب می‌خوریم که بچه‌های تجربی در خواندن و نوشتن جلوتر هستند. ما باید بتوانیم این تعارض را حل کنیم. اگر این مسیر طولی را به عقب برگردیم، شاید کمک بهتری کند.

دانشگر: حالا کمی به جلو می‌رویم. با این نتایج مشخص می‌شود که آموزش و پرورش در چه جاهایی باید بیشتر برنامه‌ریزی کند. شاید از نظر خیلی‌ها این آمار و نتایج طبیعی باشد، ولی نکته جالبی در اینجا وجود دارد: در بسیاری از شاخه‌های مدیریتی کشور امروز فارغ‌التحصیلان رشته‌های ریاضی نشسته‌اند. اگر قرار باشد ما مهارت‌ها را بر حسب گروه‌ها ببینیم و رشد دهیم، فارغ‌التحصیلان عملاً در اجتماع دچار مشکل خواهند شد.

حمیدرضا امیری، سردبیر رشد برهان متوسطه دوم: من فکر می‌کنم بیشتر مسئولان ما از رشته‌های علوم انسانی هستند. همتی: آقای **سریع‌القلم** در مطلبی اشاره کرده‌اند که یکی از مشکلات ما این است که اکثر مسئولان کشور ما از رشته‌های فنی و ریاضی هستند و استدلال می‌کنند، کسانی که مهندس هستند ذهن صفر و یکی دارند.

دانشگر: بله درست است. این نتایج ما را با نتایج رسمی آموزش و پرورش هم مقایسه‌ای کنید. به نتایج جنبی هم نگاهی داشته باشیم. تأثیر آموزش غیر مستقیم و غیر رسمی یکی از این موارد است که من می‌خواهم آن را به مجلات رشد ارتباط دهم. به هر حال نتیجه مطلوب در آموزش و پرورش ما حاصل نمی‌شود. بچه‌های سال اول دبیرستان بسیار ناتوان هستند و معلمان در این پایه بسیار دچار مشکل هستند. وضعیت معلمان هم نامطلوب است. مقصودم این است که آموزش غیر مستقیم

بسیار مهم‌تر است و به همین دلیل است که خانواده‌ها نقش مهم‌تری نسبت به مدارس دارند. کتاب‌های درسی در برابر مجلات شما توان رقابت ندارند، به شرطی که مجلات شما در دسترس دیگران باشند. کتاب‌های درسی همه جا هستند و مجلات هم چنین وضعی داشته باشد.

سیر نزولی آموزش و شفاهی شدن نسل آینده نکته مهمی است. اگر نسل امروز نسبت به نسل گذشته شفاهی می‌شود، زنگ خطر است. دانش‌آموزان ما با حرف زدن راحت‌تر هستند تا نوشتن. همین مشکل را با معلمان هم داشته‌ایم. این موضوع برای معلم یک نقص محسوب می‌شود. مسئله کاستی‌های آینده در تولید علم مورد بعدی است. تا زمانی که زبان فارسی مکتوب نشود، نمی‌توان آن را زبان علمی محسوب کرد.

نکته دیگر تأثیر تربیتی رفتار مدیران مدارس بر رفتار دانش‌آموزان است. نکته دیگری که هنگام اجرای این طرح به ما



می گفتند، این بود که بچه‌ها توانایی استفاده از رایانه را ندارند. اما بچه‌ها در آزمون هیچ مشکلی نداشتند.

مسئله آخر رواج حرف‌نگاری فینگلیش بین بچه‌هاست. این موضوع یکی از آسیب‌هایی است که ظاهراً شبکه‌های مجازی آن را حل کرده‌اند و بچه‌ها بیشتر با فارسی سروکار دارند. من از پیشنهاد‌های پژوهشی و کاربردی می‌گذرم. گزارشی در مورد جایگاه ادبیات فارسی در رشته‌های دانشگاهی داشتم. کلیات این طرح را خدمت شما عرض می‌کنم. هدف این بوده که سطح توانایی ادبی و زبانی دانش‌آموختگان کشور را از طریق تحلیل آماری نمره‌های پذیرفته‌شدگان بسنجیم. یعنی ما نمره زبان و ادبیات فارسی پذیرفته‌شدگان را استخراج کردیم و بر اساس آمار تحلیل محتوا کردیم. ارتباط سطوح یادگیری در دانش‌آموختگان علوم انسانی چیست؟ ارتباط دانش زبانی و ادبی پاسخ‌دهندگان با رشته قبولی آن‌ها چیست؟

اکثر سؤالات آزمون سراسری دانش‌محور بودند. بنابراین ما انتظار داشتیم که شرکت‌کنندگان در این آزمون نمره قابل قبولی بگیرند. اما نتایج نشان داد که میانگین دانش‌آموزان رشته‌های تجربی و ریاضی، پاسخ دادن به سه سؤال از بیست و پنج سؤال

است. مسئله بعدی ارتباط رشته‌ها و نمره‌های زبان و ادبیات فارسی است که رابطه معکوسی در آن وجود دارد. یعنی هرچه نمره ضعیف‌تر بوده، رشته‌ای را انتخاب کرده که مرتبط‌تر بوده است. شما از نظر من افراد متخصصی هستید که می‌توانید مورد مشاوره ما در فرهنگستان باشید. ما نتایج مطالعاتمان را به شما ارائه می‌کنیم تا بعدها از مطالعات شما استفاده کنیم. این نتایج را به این دلیل برای شما مطرح می‌کنم که مشاهده کنید، کار ما علمی بوده است. من تلاش کردم خلاصه‌ای از نتایج آزمون‌ها را به شما ارائه کنم تا وقت کمتری از شما بگیرم. آزمون ما یک آزمون ملاک‌محور است و قابل مقایسه با آزمون سازمان سنجش نیست. این آمار و ارقام می‌توانند زنگ خطر باشند.

گزارش سوم نمرات درس زبان و ادبیات فارسی مدارس کشور در امتحانات نهایی است. ما این نمرات را هم سطح‌بندی کرده‌ایم. اغلب سؤالات برگه‌های امتحانی در سطوح دانشی، درک و فهم، و به کار بستن و به کارگیری‌اند. ۸۵ درصد سؤالات ادبیات فارسی هم در سطح‌های اول دانش و به کار بستن هستند. حالا ولی نتایج نمرات را ملاحظه بفرمایید. ۶۷ درصد دانش‌آموزان علوم انسانی در درس زبان و ادبیات فارسی نمره کمتر از ۱۲ گرفته‌اند. این‌ها نمرات امتحانات نهایی‌اند. مقایسه استان‌های کشور با هم نشان می‌دهد که پایین‌ترین رتبه متعلق به خوزستان، کهکیلویه و بویراحمد، هرمزگان و بوشهر است تا می‌رسد به یزد، خراسان جنوبی، اصفهان و قم. در بالاترین رتبه شهر تهران است.

گزارش‌های پرلز هم نشان می‌دهند، بین نظام‌های آموزشی جهان که در آزمون پرلز شرکت کرده‌اند، ایران جزو پنج کشور آخر است. همیشه زیر میانگین است و به چند گروه کشور آخر تعلق دارد. کشورهای روسیه، چین و

دانشگر: سؤال اصلی طرح ارزشیابی مهارت‌های ادبی و زبانی دانش‌آموزان نظام آموزش متوسطه کشور این بوده که آیا اهداف برنامه‌ریزان آموزش رسمی در مهارت‌های چهارگانه خواندن، نوشتن، شنیدن و سخن گفتن از نظر توانایی‌های زبانی و ادبی تحقق یافته است یا نه؟

سنگاپور در این آزمون توانسته‌اند طی پنج سال رتبه خود را به صورت قابل توجهی تغییر دهند و این نکته جالبی است. معلوم می‌شود که این موضوع پیچیده‌ای نیست و ما هم می‌توانیم حرف‌هایی داشته باشیم.

ما هر جا هر حرفی در مورد زبان و ادبیات فارسی می‌زنیم، به ما می‌گویند که باید بررسی میدانی شود. من الان در این سه سال سه گزارش میدانی انجام داده‌ام و تمام این‌ها را با آمار و ارقام به صورت خیلی خلاصه گفتم. همه به صورت علمی و دقیق هستند و از حدسیات من سرچشمه نگرفته‌اند. از نظر من، شما شنوندگان متخصصی بودید که لطف کردید این گزارش‌های خسته‌کننده را شنیدید. خیلی از شما متشکرم و خوش حال می‌شوم که از نظرات شما استفاده کنم.

ناصر نادری، ناظر محتوایی مجلات رشد: اگر زبان را بخش مهمی از زبان و فرهنگ بدانیم، به گفته کارشناسان فرهنگ امروز دچار تلاطم است. بخشی از این فرهنگ بحث زبان ماست. برخی از نقدهایی که در این گزارش‌ها بود، متوجه ما نبود. منتها ما به عنوان کارشناس و سردبیر باید بشنویم. همه حرف خانم دانشگر این بود که وضعیت زبان فارسی ما دچار حالت بحرانی است و همین ما را به تأمل وادار می‌کند و بر درستی بعضی از کارهایی که در بحث زبان‌آموزی می‌کنیم صحه می‌گذارد. امیدوارم که مایه تأملات بیشتر شود.

امیری: من فکر می‌کنم در مورد بحث کنکور و تحلیل‌هایی که ارائه کردید، شرایط کنکور را نمی‌توان ملاک قرار داد. امتحان نهایی ملاک بهتری است، هر چند که آن هم استرس‌های خاص خودش را دارد. آزمون‌های امروز طوری برگزار می‌شوند که بچه‌ها خارج از فضاهای خشک و استرس‌زا آزمون بدهند. اگر بتوانید چنین کاری انجام دهید، خیلی بهتر خواهد بود. شما

این آزمون را در تهران برگزار کردید و به قول خودتان نمی‌تواند ملاکی برای کل کشور باشد. نظام آموزشی ما متمرکز است، اما خیلی تنوع زبانی داریم و از این لحاظ دچار مشکل هستیم. این مسائل را هم باید در نظر گرفت.

ربانی: آمار تکان‌دهنده‌ای ارائه شد. من تجربه‌ای از ۲۰ سال پیش دارم که همین وضعیت را نشان می‌دهد. در آن زمان در دفتر تألیف بودم و گزارشی را دیدم از معدل درس‌های متفاوت که به تفکیک توسط سازمان سنجش منتشر شده بود. یکی از دوستانم مقاله مفصلی در مورد آن آمار نوشته بود. نتیجه آن گزارش تقریباً همین بود که امروز عنوان شد. به هر صورت این تجربه ما در آن زمان بود. نتایج آن گزارش را از سازمان سنجش گرفتیم و دیدیم. معلوم شد یک عده خاصی از بچه‌ها هستند که نمره بالایی می‌آورند و وارد رشته‌های بالا در دانشگاه‌های معتبر می‌شوند. این وضعی است که وجود دارد. وضعیت الان نسبت به آن سال‌ها بدتر شده است و باید اقدامات مؤثرتری صورت پذیرد. نکته دیگر اینکه ما هفته پیش جلسه‌ای داشتیم درباره توسعه فرهنگ کتابخوانی در کشور. در آنجا مطرح شد که شمارگان روزنامه‌های ما بسیار پایین آمده است. دلایل این امر هم مطرح شد. از طرف دیگر شمارگان مجلات ما زیاد است، ولی شکافی بین مجلات وجود دارد. مجلات دانش‌آموزی افت نکرده و حتی افزایش هم داشته‌اند. رشدهای مربوط به معلم‌ها افت کرده‌اند و مجله فنی و حرفه‌ای افت بسیاری داشته است. این آمار نشان می‌دهد که دانش‌آموزان ما در مدارس هنوز به خواندن منابع مکتوب علاقه‌مند هستند و ما باید دقت کنیم که این عادت بدنه آموزش کشور از بین نرود و شمارگان را بالاتر ببریم تا کمک کنیم که خواندن بدتر از این نشود.